

بیان النجوم ابوالفضل حُبیش بن ابراهیم منجم تفرلیسی

دکتر محسن جعفری مذهب*

چکیده

بیان النجوم اثر حُبیش تفرلیسی (از اطباء، منجمان و ادیبان مشهور آناتولی در سده ششم هجری) کتابی است در دانش نجوم، که در آن به اختصار به مباحث هیأت افلاک و زمین، صفت بروج و منازل، ستارگان ثابت و متحرک، دلیلهای افق دایره، استخراج موالید و سهام، و معرفت اسطرلاب پرداخته شده است. نسخه منحصر بفرد این کتاب را که کتابخانه ملی آن را خریداری کرده، در ۱۱۲ برگ به خط نسخ تحریر شده است. با آنکه کاتب آن سلیمان بن محمد بن احمد، معروف به صایع الغریب، خاتمه کتابت را سال ۷۵۵ ه. ق نوشته، اما گمان می‌رود که نسخه موجود، از روی دستنویس وی (مورخ به سال ۷۵۵ ه. ق) کتابت شده است.

کلید واژه: بیان النجوم، حبیش تفرلیسی، دانش نجوم، صایع الغریب.

ابوالفضل حُبیش بن ابراهیم بن محمد تفرلیسی از طیبیان و منجمان و ادیبان^۱ و

* عضو هیئت علمی کتابخانه ملی ایران.

آغازگران نثرنویسی فارسی در آناتولی (ترکیه شرقی) است.^۲ می‌دانیم که با قلیچ ارسلان بن مسعود از سلاجقه روم همزمان بوده و برخی از نوشته‌های خود را به او تقدیم کرده است. از خاتمه نسخه‌ای از کتاب وجوه القرآن برمی‌آید که او آن کتاب را در قونیه نوشته و ظاهراً سالها در آنجا اقامت داشته است. شاید در اوایل سده ششم به دنیا آمده و در اواخر آن سده از دنیا رفته باشد.^۳

از حبیبش تفلیسی تاکنون ۳۹ اثر شناسانده شده است.^۴ از صفات کم‌نظیر حبیبش تفلیسی آن است که در آغاز هر کتابی که می‌نوشت، به کتاب قبلی خود اشاره می‌کرد. او در آغاز بیان الصناعات^۵ می‌نویسد: «اما بعد. چنین گوید ابوالفضل حبیبش بن ابراهیم المتطبب التفلیسی که چون از تصنیف بیان النجوم پیرداختم...».

کاتب چلبی در کشف الظنون تحت عنوان مدخل الی علم النجوم می‌نویسد که حبیبش این کتاب را پس از تلخیص علل القرآن نوشته است.^۶ ظاهراً کاتب چلبی این مطلب را از منبع غیر مستقیمی گرفته است، زیرا با وجود اشاره به این امر در دیباچه بیان النجوم، نام درست کتاب یعنی بیان النجوم در آغاز کتاب به صراحت آمده است و مسلماً کاتب چلبی آنقدر فارسی می‌دانست که این نام را به مدخل الی علم النجوم برنگرداند.^۷ احمد آتش در مقاله خود، مدخل النجوم را همان بیان النجوم می‌داند^۸ و شاید سعی داشته جمعی بین این دو روایت ارائه دهد.

از بیان النجوم، ظاهراً نسخه‌ای در کتابخانه‌های جهان دیده نشده بود. نخستین بار مرحوم ملک الشعراى بهار در کتاب سبک‌شناسی^۹ و در ذکر نثر فارسی حبیبش تفلیسی می‌نویسد:

بیان النجوم شامل سه مبحث است و در هیئت و نجوم و اسطرلاب در ده باب و در صد و ده فصل به پارسی و نسخه آن کمیاب است و یک نسخه دیده شده که در سنه ۷۵۵ در شهر آفسرا به دست سلیمان بن محمد بن احمد المعروف بصابع الغریب به خط نسخ متمایل به تعلیق نوشته شده و در نزد آقای صفوی فاضل معروف موجود است.

چند دهه بعد، دکتر محمدامین ریاحی که در کار نوشتن مطالبی درباره فارسی‌نویسی در آناتولی بود، از فریدون مشیری شنید^{۱۰} که کتابهای مرحوم رحیم‌زاده صفوی نزد دخترش، همسر آقای منوچهر مشیری است و به دنبال یافتن بیان النجوم بر آمد و پس از امانت گرفتن آن برای مدتی، در مقاله خود^{۱۱} نوشت:

بیان النجوم در ۱۰ باب و ۲۱۰ فصل تألیف شده و تنها نسخه کتاب در مجموعه دوست عزیز آقای منوچهر مشیری موجود است. این نسخه عزیزالوجود را با کمال لطف و مهربانی به امانت در اختیار من نهادند. این نسخه به قطع ۱۴ در ۲۱ سانتیمتر، و ۱۱۱ برگ ۲۳ سطری است. و در روز یکشنبه ۶ ذی‌قعدة ۷۵۵ به دست سلیمان بن محمد بن احمد معروف به صایع الغریب در آق سرا کتابت شده است. این نسخه را مرحوم ملک الشعرا بهار دیده و در سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۳۹۴ قطعه‌ای از آن نقل کرده است. آنچه در کشف الظنون به نام مدخل الی علم النجوم (به فارسی) به تفسیری نسبت داده است و به استناد گفته او در مقالات محققان به عنوان کتابی غیر از بیان النجوم ذکر شده، همین کتاب است، نه کتاب مستقلی دیگر. زیرا حاج خلیفه از قول تفسیری نقل کرده که آن را پس از تلخیص علل قرآن تألیف کرده، و همین مطلب در دیباچه این نسخه دیده می‌شود.

در سال ۱۳۸۲، آقای منوچهر مشیری این گنج ارزشمند را به همراه دیگر کتب مرحوم رحیم‌زاده صفوی، به کتابخانه ملی فروخت. در خرید این کتاب، علاوه بر نظر کارشناسان خرید کتابخانه ملی، از نظرات استاد علی نقی منزوی، عبدالحسین حائری، ایرج افشار و دکتر محمدامین ریاحی نیز بهره گرفته شد. و اینک نسخه مذکور در اینجا معرفی می‌گردد.^{۱۲}

کتاب‌شناسی

با آنکه به نوشته نویسنده «ترتیبش را بر ابواب و فصول بنهادم و او ده [با] بست و دو صد و ده فصل است»، اما در فهرست کتاب از باب دهم خبری نیست. شاید آخرین فصل باب نهم که «در دانستن مشکلات الفاظ» نام دارد، همان باب دهم باشد که به نوعی در موضوع باب نهم «اندر معرفت اصطراب» جای نمی‌گیرد. آنچه در آغاز کتاب (۲ ر) نوشته آمده:

فهرست کتاب

باب نخستین اندر دانستن احوال هیأة افلاک و دایرة معدل النهار بذین شرح می‌رود...

باب دوم اندر دانستن احوال هیه زمین و دریاها و منازل...

باب سوم اندر دانستن احوال بروج و دلیل‌ه‌ا‌ی ایشان...
 باب چهارم اندر احوال بروج و ستارگان و دلیل‌ه‌ا‌ی ایشان...
 باب پنجم اندر احوال ستارگان متحیره و دلیل‌ه‌ا‌ی ایشان...
 باب ششم اندر احوال فلک و دلیل‌ه‌ا‌ی دایره افق
 باب هفتم اندر طالع مولودها گرفتن و دلیل‌ه‌ا‌ی ایشان...
 باب هشتم اندر سهام و دلیل‌ه‌ا‌ی ایشان...
 باب نهم اندر معرفت اصطراب...
 (باب دهم در دانستن مشکلات الفاظ؟)

تاریخ تألیف کتاب بیان النجوم معلوم نیست. تا آنجا که نسخه در اختیار بود، تنها تاریخی که در آن دیده می‌شود و در یکی از صفحات آن (۳۸ ر) دیده شده این عبارت است:

پس چون کسی خواهد که بعد این که ما پیدا کردیم بر روی درجات (۳۸ پ) افزایش هر ستاره را از پس سال پانصد و یازده یزدجردی آید و هر سالی پنجاه و چهار ثانیه بر وی زیاده کند...

که به بعد از سال ۵۱۱ یزدجردی (۵۲۱ هجری) برمی‌گردد.
 با آنکه کاتب، سلیمان بن محمد بن احمد المعروف بصایع الغریب، سال ۷۵۵ را سال خاتمه کتابت می‌گوید و در خاطرات شخصی خود از سال ۷۴۸ یاد می‌کند، اما گمان می‌رود نسخه موجود کتابتی از نسخه ۷۵۵ سلیمان بن محمد باشد.

آغاز نسخه:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين رب تمم بالخير. سباس خدای را که یکانگی صفت و جمله مصنوعات مسخر قدرت اوست و وجود موجودات شاهد وحدانیت اوست. جرخ و ستاره کردند بحکمت اوست و درود بر محمد مصطفی علیه السلام که دین هدی از رسالت او، و بر اهل بیت او و آنج از صحابت اوست.
 جنین کوید حکیم ابوالفضل حبیب ابن ابراهیم بن محمد المنجم التفلیسی کچون از تصنیف کتاب تلخیص علل قران پیرداختم نگاه کردم بکتابهای که بپارسی در علم نجوم هر کسی ساخته‌اند کتابی ندیدم که اندرو علم هیئة افلاک و زمین، و صفت بروج و منازل و معرفت و احوال ستارگان ثابته و متحیره، و دلیل‌ه‌ا‌ی دایره افق، و استخراج موالید و سهام، و دانستن علم اصطراب ازین جمله بر طریق اختصار درو

جمع باشد چنانکه آموزیده را اندرین علم کفایت بود و بکتابهای دیگر محتاج نباشد. بس چون بدین طریق که گفتیم کتابها پیرسی نیافتیم صواب دیدم که کتابی بسازم مختصر در علم نجوم از هر چیزی که یاد کرده شد بر طریق اعجاز اندرو جمع کنم چنانکه هر که آنرا بخواند و فهم کند از خواندن بسیار کتابهای بزرگ مستغنی شود و فایدها ازو بحاصل آید و ما را بدعا یاد دارد ان شاءالله تعالی.

آغاز کتاب

بدانکه علم نجوم علم شریفست و بزرگوار است و دانستن این علم نزد فضلا بسندیده و ستوده است از آن سبب که اصلش علم حساب است و حسابرا منکر بوذن روا نباشد...

نویسنده در سبب نوشتن کتاب می نویسد:

... من چون از طریق دانش تفکر کردم و بدیدم که اهل این علمهای دیگر را از دانستن این علم لابدست و نیز بزبان پارسی اندرین علم کتابی مختصر نیافتم جهد کردم تا کتابی مختصر مفید اختیار کلام حکمای قدیم از کتابهای تازی تصنیف کردم و بر قدر دانش خویش ترتیبش بنهادم و شرح هر کلامی را مختصر باز نمودم و بسوال و بجواب هر چیزی را بحجت و برهان اندرو پیدا کردم و نیز اشکال افلاک را در هر فصل بصورت بنکاشتم و مشکلات علم هیئه را در فصل مفرد بیان کردم چنانکه برآموزیده و خواننده خوار و اسان بود چون نیک در وی تامل کند و نامش را بیان النجوم نهادم از آن سبب که بسیار چیز از اسرار این علم اندر و بیان کردم چنانکه همه کس را مفهوم شود و ترتیبش را بر ابواب و فصول بنهادم و او ده با بست و دو صد و ده فصل است و فهرست فصول ویرا بر شمار حروف معجم پیدا کردم تا هر فصلی را که طلب کنند بزودی باز یابند یعنی ببینند که برابر ان فصل که می جوید ان جمله اعداد کدام حرفست. انج ویرا درین کتاب در حاشیه طلب کنند تا آسان بیابند و نیز فصلی مفرد باخر این کتاب بنهادم در دانستن نامها که منجمان در کتابها خویش بکار دارند و مشکلی که اندرین کتاب ببیند تا چون لفظی مشکل را معنی ندانند درین فصل اخر ویرا بجویند تا معنی آن مشکل بر خواننده این کتاب بوشیده نباشد و از حق تعالی یاری خواهم در تمام کردن این کتاب بر درستی و راستی کلامهای که اندرو یاد کردم و دعاء دو جهانی چشم دارم بدعای خواننده و آموزنده کتاب را بمن رسانند و این یادکار از من بماند که مقصودم از ساختن این کتاب دعا بود غیر از دعا هیچ چیزی دیگر نخواهم از خوانندگان و آموزندگان و بالله التوفیق و علیه توکلت و الیه المصیر

انجام:

... و اگر بروز باشد هم جندان و اگر بانزده درج کی ساعتی است درجه‌ها چیزی افزون آید بحساب هر پنج درج را ثلث ساعت کیرذ و دو درج و نیم را سدس ساعت.

انجامه:

إن شالله تعالی و هو حسبی و کفی. و فرغ من نسخ هذا الكتاب فی یوم الأحد سادس من شهر ذی القعدة سنة خمسة و خمسين و سبعائة من ید الضعیف المذنب النحیف سلیمان بن محمد بن احمد المعروف بصایع الغریب فی المدینة دارالملک آق سراکستان المعروف. حامداً و مصلياً علی النبی المختار.

نسخه‌شناسی:

کتابی است در قطع جیبی (۲۱۰ در ۱۴۰ م م) با ۱۱۲ برگ ۲۳ سطری و از آخر افتاده است. متن بیان النجوم از برگ ۱ تا ۱۰۷ پ را در بر می‌گیرد. از آغاز برگ ۱۰۷ پ، مطالب نجومی دیگری آمده که با عنوان «موامره تقویم کید بزیح سنجری» آغاز و مطالب گوناگونی را در بر می‌گیرد. جلد کتاب به رنگ قهوه‌ای و در دو طرف نقشهایی دارد که معمولاً بر جلدهای عثمانی نقش می‌بست.

خط کتاب نسخ و عنوانها با مرکب سرخ است. از برگ ۷۴ مرکب سرخ به مرکب قرمز بدل شده است. کتاب تقریباً بدون فرسودگی و آفت خوردگی است و تنها در گوشه برگها، مختصر نشانه رطوبتی دیده می‌شود.

حرف «پ» معمولاً به صورت «ب» و کمتر به صورت «پ»

حرف «گ» همه جا به صورت «ک»

حرف «ژ» دیده نشد تا تغییر آن شناسانده شود

حرف «ذ» کمابیش به جای «د» در پایان کلمه و گاه در میان آن

کاتب این نسخه یا نسخه اصل، سلیمان بن محمد بن احمد المعروف بصایع الغریب بوده است که در برگ آخر در شرح دعای وبا می‌نویسد:

شرح دعاء وبا

و در قیصریه سنه ثمان و اربعین و سبعائة که وبا طاعون مستولی کشت و خلقی

بسیار از صحیفه وجود بصرای عدم بیوستند چنانکه هر که متوفی می شد هر که بیش او بودی سرایت کردی و او نیز بگذشتی. در خانه اگر ده کس اگر بیشتر بودندی همه گذشتندی و اگر متر و کاتب متوفی کسی چیزی ستدی او نیز با هر که بودندی گذشتندی با حدی که گفتند یکی از ملازمان دارالقضا از ترکه بازرگان متعلقه ستد او با فرزندان و هر که بدیدن او رفت همه در گذشتند چندین جامه را بدین سبب درسته شد. کاتب این حروف در ظهر کتابی بخط ماورالنهریان دیدم که نبشته بود که در سال بانصد و بانزده در کاشغر طاعون افتاد چنانکه هر روز صد جنازه بدر می رفت خلق در ماندند بهیچ نوع تدبیر ندانسته. خبر بلخ رسید بلخ رحمهم الله تعالی این دعاء را نبشته فرستادند که بنویسند اگر مرد بود بر دست راست بندد و اگر زن بود بر دست جب بندد. ببرکه این دعا حق تعالی امن گرداند.

با آنکه کاتب، سلیمان بن محمد بن احمد المعروف بصایع الغریب سال ۷۵۵ را سال خاتمه کتابت می گوید و در خاطرات شخصی خود از سال ۷۴۸ یاد می کند، اما گمان می رود نسخه موجود کتابتی از نسخه ۷۵۵ ق سلیمان بن محمد باشد. با آنکه استادان من (علی تقی منزوی، عبدالحسین حائری، ایرج افشار، و دکتر محمد امین ریاحی) از روی نوع کاغذ و خط و مرکب و جلد و صحافی، نظر داشتند که این نسخه باید حداقل متعلق به سده نهم هجری باشد، اما استاد ایرج افشار دلیل دیگری نیز داشت. انجامه بیان النجوم اینگونه خاتمه پذیرفته است:

..... ان شالله تعالی و هو حسبی و کفی. و فرغ من نسخ هذا الكتاب فی یوم الأحد سادس من شهر ذوالقعدة سنة خمسة و خمسين و سبعمائة من ید الضعیف المذنب النحیف سلیمان بن محمد بن احمد المعروف بصایع الغریب فی المدینة دارالملک آقسراکستان المعروف. حامداً و مصلياً علی النبی المختار.....

در حالی که در این زمان انجامه ها شاید به این صورت نوشته می شد:

..... ان شالله تعالی و هو حسبی و کفی. و فرغ من نسخ هذا الكتاب فی یوم الأحد سادس من شهر ذوالقعدة سنة خمسة و خمسين و سبعمائة من ید الضعیف المذنب النحیف سلیمان بن محمد بن احمد المعروف بصایع الغریب فی المدینة دارالملک آقسراکستان المعروف. حامداً و مصلياً علی النبی المختار

خارج از متن

بر روی برگ نخست، فرمولی شیمیایی و دعایی از مشایخ صوفیه به زبان ترکی

عثمانی آمده است. عنوان کتاب بر این برگ به صورت «احکام نجوم فارسی» و «کتاب بیان النجوم» ثبت شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ایرج افشار، «بیان الصناعات»، فرهنگ ایران زمین، ص ۲۷۹.
۲. درباره او بنگرید به: محمدمین ریاحی، «تفلیسی پیشاهنگ فارسی‌نویسی در دیار روم»، آینده، س ۷ (۱۳۶۰)، صص ۶۲۰-۶۲۵.
- درباره ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، بنگرید به:
محمدمین ریاحی، نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰.
۳. برای شرح حال، او بنگرید به: عبدالکریم گلشنی، «فرهنگ ایران در قلمرو تُرکان سلجوقی»، هنر و مردم. ایرج افشار، «بیان الصناعات»، فرهنگ ایران زمین، صص ۲۷۹-۲۹۷.
۴. همانجا.
۵. به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ص ۲۹۸.
۶. کشف الظنون، ج ۲.
۷. داوری دکتر ریاحی.
۸. نقل از مقدمه ایرج افشار بر «بیان الصناعات»، فرهنگ ایران زمین، ص ۲۹۰.
۹. ج ۲، ص ۳۹۴.
۱۰. به نقل شفاهی از دکتر ریاحی و آقای منوچهر مشیری در سال ۱۳۸۲.
۱۱. «تفلیسی پیشاهنگ فارسی‌نویسی در دیار روم»، آینده، س ۷ (۱۳۶۰)، صص ۶۲۰-۶۲۵.
۱۲. از آنجا که نسخه مدّتی کوتاه در اختیار نگارنده بود، لذا فرصت ثبت تمامی مشخصات فهرست‌نویسی نسخه را نیافت.
۱۳. دکتر ریاحی آن را ۱۱۱ برگ دانسته، اما برگ شماری این نگارنده ۱۱۲ برگ بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی